

مقایسه هویت ورزشی بازیکنان تیم‌های ملی هندبال ایران

رضا شجاع^۱، دکتر مهدی سهرابی^۲، دکتر جواد فولادیان^۳

۱. کارشناس ارشد تربیت بدنی

۳ و ۲. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۷/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۸/۵

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، مقایسه هویت ورزشی بازیکنان مرد تیم‌های ملی هندبال نوجوانان، جوانان و بزرگسالان ایران بوده است. به همین منظور مقیاس اندازه‌گیری هویت ورزشی (AIMS-Plus) ساخته شده توسط چزلاک (۲۰۰۴) در اختیار تعداد ۶۹ بازیکن ملی‌پوش تیم‌های ملی هندبال ایران (نوجوانان=۱۵، جوانان=۲۰ و بزرگسالان=۳۴) قرار گرفت. روایی محتوایی پرسشنامه‌های یاد شده توسط متخصصان و ثبات درونی مقیاس هویت ورزشی نیز در یک مطالعه مقدماتی با آلفای کرونباخ ۰/۸۷ تعیین شد. از آزمون کلومگروف-اسمیرنف به منظور تعیین طبیعی بودن توزیع، آزمون لون برای تعیین تجانس واریانس و همچنین آزمون‌های تحلیل واریانس یک طرفه، تعقیبی بنفرونی و ضریب همبستگی اسپیرمن جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. میانگین نمره هویت ورزشی بازیکنان تیم‌های ملی هندبال ایران $16 \pm 188/89$ و میانگین مربوط به نمرات خرده مقیاس‌های هویت ورزشی به ترتیب، هویت خود $3 \pm 36/53$ ، هویت اجتماعی $4/15 \pm 40/86$ ، انحصارگرایی $6/16 \pm 40/40$ ، تأثیرپذیری مثبت $3/83 \pm 36/23$ و تأثیرپذیری منفی $4/47 \pm 35/13$ به دست آمد، ضمن اینکه بین هویت ورزشی بازیکنان تیم‌های ملی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان هندبال ایران تفاوت معنی‌دار وجود داشته ($F=3/861$)، $P=0/026$ و بر اساس نتایج آزمون تعقیبی، این تفاوت میان بازیکنان جوان و نوجوان مشاهده شده

است. بر پایه یافته‌های پژوهش، اکثریت بازیکنان هندبال از یک هویت ورزشی قوی و منحصر به فرد برخوردار هستند.

کلیدواژه‌های فارسی: هویت ورزشی، ورزشکار نخبه، هندبال.





پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

مقدمه

مبحث هویت^۱، یا تلاش برای پاسخگویی به پرسش «من کیستم؟» موضوع تازه‌ای نبوده و از دیرباز ذهن انسان را به خود مشغول ساخته است. با این حال، هرگز رنگ کهنگی به خود نگرفته و به مهم‌ترین دغدغه انسان معاصر نیز تبدیل شده است (۱). بر اساس نظریات موجود، هویت زمانی شکل می‌گیرد که میان تصور فرد از خود و همچنین تصور حاصل از انتظار دیگران نوعی هماهنگی برقرار شود (۲) و این در حالی است که ورزش و فعالیت بدنی دارای نقش عمده‌ای در ایجاد هماهنگی یادشده است، به طوری که با توسعه جامعه‌پذیری و تقویت تعاملات اجتماعی (۳)، زمینه را برای افزایش تعهد نسبت به مشارکت ورزشی و در نهایت تقویت احساس هویت در فرد فراهم می‌کند (۴).

از تمام «خودهای ممکن» که محققان نسبت به آن جذب شده‌اند، هویت ورزشکاران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و شواهد این مورد را می‌توان، در حجم مطالعاتی مشاهده کرد که هویت ورزشکاران و یا طرفداران ورزشی را به عنوان متغیر اصلی به کار گرفته‌اند. (۵). هویت ورزشی^۲، برای شخصی که هویت خود را با نقش ورزشی شناسایی می‌کند، مانند درجه‌ای از قدرت^۳ و انحصارگرایی^۴ تعریف شده است (۶). افراد با هویت ورزشی بالا، ارزش «خود» را بر مبنای عملکرد ورزشی قرار می‌دهند و به تقویت عزت نفس از طریق هویت ورزشی قوی خود تمایل دارند که آن بعدها در صورت رسیدن ورزشکار به سطوح نخبگی (به

¹. Identity

². Athletic Identity

³. Strength

⁴. Exclusivity

عنوان مثال سطوح المپیک و حرفه‌ای) رشد می‌کند. در نتیجه اکثر ورزشکاران بر اساس موفقیت‌شان در ورزش، هویت خود را تقویت می‌کنند. بنابراین، ورزشکاران همچون افرادی مهم در زندگی خویش، اغلب فقط روی یکی از جنبه‌های شخصیت خود متمرکز می‌شوند و به برتری هویت‌های دیگر مانند خانوادگی، دوستی، مذهبی، تحصیلی و احساسی بی‌اعتنا هستند. این تأکید بیش از حد روی مشارکت ورزشی، ممکن است موجب عدم مشارکت آنان در سایر فعالیت‌ها همچون تحصیل و تعاملات اجتماعی گردد (۵). امروزه کسب موفقیت در ورزش، به عنوان هدف اصلی ورزشکاران نخبه محسوب می‌شود (۷) و یکی از پیامدهای حضور ورزشکاران در سطوح بالای ورزش‌های رقابتی، شناسایی هر چه بیشتر نقش ورزشی خود و به طور هم‌زمان، تجربه کمتر نقش‌های جایگزین است (۸).

محدودیت‌ها و مزایای داشتن یک هویت ورزشی قوی، به خوبی شناسایی شده است و مشکلات مربوط به هویت ورزشی قوی زمانی رخ می‌دهد که تعهد بیش از اندازه فرد به نقش ورزش، منجر به پرداخت هزینه از سوی سایر جنبه‌های زندگی فرد شود (۷). بر همین اساس، ورزشکار نخبه‌ای که در زندگی خویش منحصراً هدف‌های ورزشی را پی می‌گیرد، بدیهی است که تنها به انسانی تک بُعدی^۱ بدل خواهد شد (۹). تعهد بیش از اندازه نسبت به ورزش، می‌تواند منجر به تمرین‌زدگی و یا ایجاد اضطراب در زمان بی‌تمرینی شود (۱۰) ضمن اینکه می‌تواند توسعه یک خودپنداره چند بُعدی را نیز محدود سازد (۱۱). هویت ورزشی قوی می‌تواند انگیزش و نظم مورد نیاز جهت حضور مداوم ورزشکار در تمرینات و همچنین

^۱ Unidimensional

موفقیت در سطوح بالای ورزشی را منجر شود. این امر مبین این موضوع است که هویت ورزشی قوی، دارای تأثیرات مثبت بر عملکرد ورزشی، سلامتی، آمادگی و عزت نفس ورزشکار است (۷، ۱۲).

بر پایه تحقیقات انجام شده، ورزشکاران نخبه دارای هویت پیچیده‌ای هستند و در معرض انتظارات اجتماعی^۱ فراوانی قرار دارند. این فشارهای اجتماعی، پرورش‌دهنده عزت نفس آنان بر اساس پرونده‌های عملکرد هستند (۱۳). ورزشکارانی که برای موفقیت تلاش می‌کنند و عملکرد خود را بر مبنای استانداردهای بالا ارزیابی می‌نمایند، هنگام مواجهه با شکست و یا عدم موفقیت، مستعد ابتلا به افسردگی هستند (۱۴). کنار گذاشته شدن از تیم، آسیب دیدن و یا رسیدن به پایان دوره ورزش حرفه‌ای می‌تواند، از جمله شرایط مواجهه با مشکلات در افراد با هویت ورزشی بالا باشد. به عنوان مثال، یک هویت ورزشی قوی و منحصر به فرد می‌تواند، به عنوان یک عامل ایجادکننده اختلال عاطفی برای ورزشکارانی که به پایان ورزش حرفه‌ای خود رسیده‌اند در نظر گرفته شود. زیرا افراد دارنده این نوع هویت، علاقه کمتری به کشف سایر مشاغل، نقش‌ها و گزینه‌های سبک زندگی دارند (۱۵). دارنال^۲ (۲۰۰۲) اظهار می‌دارد؛ برای ورزشکار نخبه‌ای که امرار معاش آنان بستگی به عملکرد ورزش‌شاس دارد، قرارداد مالی به منزله محدودکننده‌ای است که رویدادهای زندگی ورزشکار را در حد رویدادهای ورزشی محدود می‌سازد (۱۳). بر همین اساس است که از هویت ورزشی به عنوان پاشنه آشیل^۳ ورزشکاران نخبه یاد می‌شود (۶). اهمیت این موضوع زمانی به اوج می‌-

^۱. Social Expectations

^۲. Darnall

^۳. Achilles' Heel

رسد که ورزشکاران نخبه، در توسعه هویتی خارج از محیط ورزشی شان ناتوان می‌شوند. در همین راستا سخت‌ترین بخش زندگی ورزشکار نخبه زمانی است که مجبور می‌شود از هویت ورزشی خود جدا شود و هویتی جدید را جایگزین سازد. زمانی که از آن به عنوان دوره انتقال هویت یاد می‌شود (۱۶).

مدل پیشرفته هویت ورزشی که در تحقیق حاضر به عنوان مدلی پایه مورد استفاده قرار گرفته است، دو مؤلفه بیرونی (انحصارگرایی^۱ و هویت اجتماعی^۲) و درونی (هویت خود^۳، تأثیرپذیری منفی^۴ و تأثیرپذیری مثبت^۵) را به عنوان شاخصه‌های تعیین هویت ورزشی معرفی می‌کند (۵). مؤلفه‌های بیرونی به واسطه گروه‌های درون جامعه مانند: خانواده، دوستان، مربیان، معلمان، رسانه‌ها و همچنین پدیده‌های محتوایی آن مانند: مذهب، ورزش، تحصیل و غیره دارای تأثیرات قابل توجهی بر ورزشکار هستند، به طوری که عناصر تعیین‌کننده هویت اجتماعی، مرجع گزارش ورزشکار از شناخت اجتماعی او است و انحصارگرایی نیز به اهمیت ورزش نسبت به دیگر فعالیت‌ها اشاره دارد (۱۷). مؤلفه‌های درونی به میزان تأثیرپذیری ادراکات فردی، همچون ارزیابی و تفسیر نقش ورزشکار اطلاق می‌شوند. عامل هویت خود، ادراکات مربوط به «خود» را ارائه می‌کند و عناصر منعکس‌کننده تأثیرپذیری منفی، به افسردگی و احساسات نامطلوب ناشی از آسیب دیدن ورزشکار و یا عملکرد ضعیف او مربوط می‌شود. تأثیرپذیری مثبت که به عنوان یک عامل جدید به مدل-

¹. Exclusivity

². Social Identity

³. Self Identity

⁴. Negative Affectivity

⁵. Positive Affectivity

های پیشرفته هویت ورزشی افزوده شده است، به ارزیابی مشارکت ورزشی ورزشکار می‌پردازد و بر احساسات مثبت وی در پاسخ به نتایج مطلوب مشارکت ورزشی دلالت دارد (۵). در همین راستا چزلاک^۱ (۲۰۰۴) اظهار می‌دارد که نمره مربوط به خرده‌مقیاس تأثیرپذیری مثبت، در تعیین نمره کلی هویت ورزشی ورزشکاران، دارای بیشترین نقش است (۵). یافته‌های پژوهش تسیمسکی^۲ و همکاران (۲۰۰۴) نیز نشان می‌دهد؛ بین هویت ورزشی ورزشکاران رده‌های مختلف سنی تفاوت معنی‌دار وجود دارد و هویت ورزشی ورزشکاران به تفکیک سطح مشارکت تغییر می‌کند (۱۸).

مایلز و کریستنسن^۳ (۲۰۰۶) اظهار می‌دارند که بین سه خرده‌مقیاس هویت اجتماعی، انحصارگرایی و تأثیرپذیری منفی مربوط به هویت ورزشی ورزشکاران نخبه و آماتور تفاوت معنی‌داری وجود دارد و نمره ورزشکاران نخبه در این زمینه بیشتر است (۱۹). بویل و مگناسون^۴ (۲۰۰۷) اظهار می‌دارند که ورزشکاران نخبه و یا ورزشکارانی که در سطوح حرفه‌ای به رقابت می‌پردازند در مقایسه با ورزشکاران آماتور و یا افراد غیر ورزشکار، در خرده‌مقیاس هویت اجتماعی میانگین نمره بالاتری را کسب می‌کنند و این امر می‌تواند به دلیل وجود طرفداران و یا حامیان بیشتر در این دسته از ورزشکاران باشد (۲۰). کرایلوویچ^۵ (۲۰۰۰) نیز اظهار می‌دارد میان هویت ورزشی و سابقه حضور در میادین ورزش قهرمانی، رابطه معنی‌داری وجود دارد (۲۱) و این در حالی است که بر

1. Cieslak

2. Tasiemski et al.

3. Mills & Christensen

4. Boyle & Magnusson

5. Krylowicz

اساس یافته‌های دریک^۱ (۲۰۰۸)، بین هویت ورزشی ورزشکاران به تفکیک جنسیت و سابقه ورزشی آنان، تفاوت معنی‌داری وجود دارد (۲۲). گولدبرگ و چندلر^۲ (۱۹۹۱) نیز بر متفاوت بودن هویت «خود» ورزشکاران سطوح مختلف تأکید دارند و گروه‌های اجتماعی را به عنوان مرجع تفاوت در نظر می‌گیرند (۲۳).

دستیابی به اهداف این پژوهش که مهم‌ترین آنها، مقایسه مؤلفه‌های درونی و بیرونی هویت ورزشی در بازیکنان مرد تیم‌های ملی هندبال ایران به تفکیک رده‌های سنی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان است، می‌تواند زمینه را برای پیشبرد هدف‌های مدیریتی این تیم‌ها، هدایت، کنترل، پیش‌بینی رفتار و متغیرهای هویتی تأثیرگذار در حین تمرین و رقابت فراهم کند و اطلاعات مفیدی را در اختیار دست‌اندرکاران، مربیان و سرپرستان این تیم‌ها قرار دهد. آگاهی از وضعیت هویت ورزشی ورزشکاران نخبه، این امکان را به مربیان می‌دهد که برنامه‌های خود را بر مبنای ظرفیت تصمیم‌گیری افراد در قبال مشارکت ورزشی توسعه دهند (۲۴).

روش‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روش پژوهش و ابزار گردآوری اطلاعات پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی و علی-مقایسه‌ای است. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، از یک پرسشنامه محقق ساخته جهت جمع‌آوری اطلاعات جمعیت شناختی مانند سن، وضعیت تحصیلی، سابقه ورزشی و همچنین مقیاس تکمیلی و ۲۲ گزینه‌ای هویت ورزشی ساخته

^۱. Derick

^۲. Goldberg & Chandler

شده توسط چزلاک (۲۰۰۴) استفاده شده است. این مقیاس، عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری هویت ورزشی را با پنج خرده‌مقیاس هویت اجتماعی (۵ گزینه)، انحصارگرایی (۵ گزینه)، هویت خود (۴ گزینه)، تأثیرپذیری منفی (۴ گزینه) و تأثیرپذیری مثبت (۴ گزینه) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. ضمن اینکه از مقیاس ۱۰ ارزشی (۰=کاملاً مخالف تا ۱۰=کاملاً موافق) نیز برای کمی‌سازی آن استفاده شده است. با توجه به هنجار تعیین شده برای این ابزار، نمره هویت ورزشی بین ۰ تا ۷۳ به عنوان هویت ورزشی پائین، ۷۴ تا ۱۴۶ هویت ورزشی متوسط و ۱۴۷ تا ۲۲۰ به عنوان هویت ورزشی بالا در نظر گرفته می‌شود.

این ابزار که برای اولین بار در کشور مورد استفاده قرار می‌گرفت، توسط محقق و تعدادی از استادان مجرب در رشته‌های تربیت‌بدنی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به طور جداگانه ترجمه شد و پس از رفع تناقض‌های موجود و برگردان مجدد، محتوای آن مورد تأیید قرار گرفت. ثبات درونی مقیاس نیز در یک مطالعه مقدماتی با آلفای کرونباخ ۰/۸۷ تعیین شد. به منظور تعیین روایی سازه مقیاس هویت ورزشی در تحقیق حاضر، از روش‌های تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. مقادیر معنی‌دار آزمون‌های KMO^۱ به میزان ۰/۷۹ و کرویت بارتلت^۲ به میزان ۹۵/۱۷۴، قابلیت مقیاس برای انجام تحلیل عاملی را تأیید کردند (P=۰/۰۰۱). استفاده از چرخش واریماکس^۳، وجود دو عامل با ارزش‌های ویژه ۲/۷۳ و ۰/۸۷ را که روی هم بیش از ۷۲ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند، استنباط کرد.

^۱. Kaiser-Meyer-Olkin (KMO)

^۲. Bartlett Test of Sphericity

^۳. Varimax

جامعه و نمونه آماری

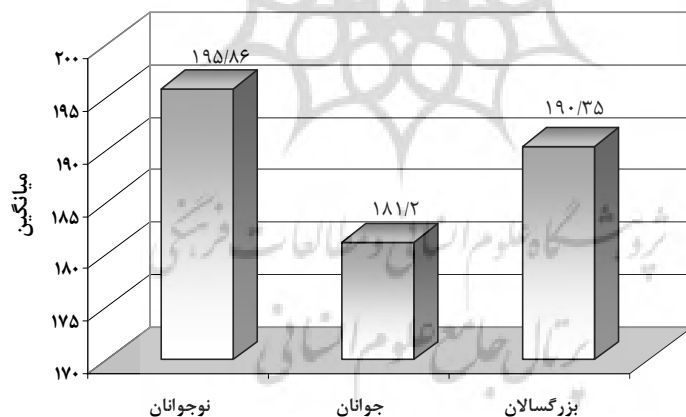
با توجه به محدود بودن تعداد نمونه آماری، کلیه بازیکنان حاضر در تیم-های ملی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان هندبال ایران در حد فاصل شش ماهه اول سال ۱۳۸۷ (N=۸۰) به عنوان نمونه نهایی پژوهش انتخاب شدند که از تعداد مورد نظر، ۱۵ نفر از تیم ملی نوجوانان، ۲۰ نفر از تیم ملی جوانان و ۳۴ نفر از تیم ملی بزرگسالان ایران (N=۶۹) با میانگین سنی ۱۷ تا ۳۵ سال به پرسشنامه‌های یادشده پاسخ و آنها را عودت دادند. با توجه به تأثیرات فصل مسابقه بر هویت ورزشی (۲۵)، ترتیبی اتخاذ شد که جمع‌آوری اطلاعات مربوط به هر تیم، در مرحله آمادگی و پیش از آغاز فصل مسابقات صورت گیرد.

روش‌های آماری

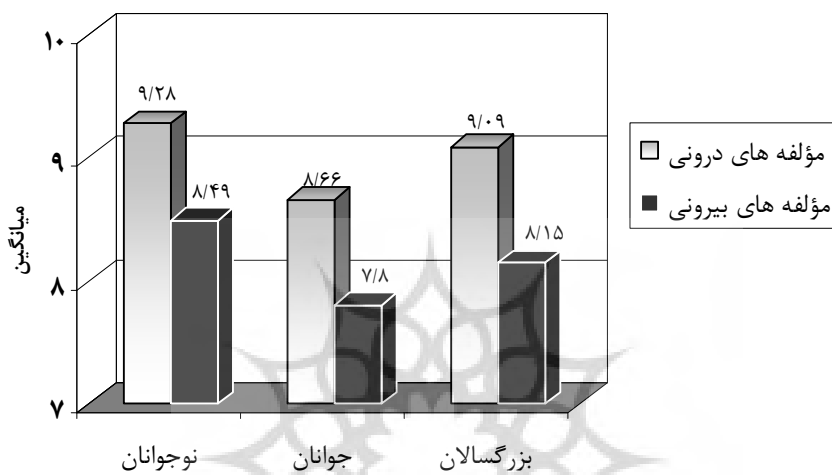
با توجه به برقراری مفروضه‌های نرمال بودن و همگنی واریانس‌ها که با استفاده از آزمون‌های کلوموگروف-اسمیرنف و لون به دست آمد، به منظور مقایسه مؤلفه‌های درونی و بیرونی هویت ورزشی بازیکنان تیم-های ملی به تفکیک رده‌های سنی، از آزمون‌های تحلیل واریانس یکطرفه و تعقیبی بنفرونی در سطح معنی‌داری $P < 0/05$ استفاده شد. ضمن اینکه از آزمون همبستگی اسپیرمن نیز به منظور تعیین رابطه میان خرده-مقیاس‌های هویت ورزشی با مؤلفه‌های جمعیت شناختی استفاده گردید. علت انتخاب آزمون تعقیبی بنفرونی، قابلیت این آزمون در تعدیل درجات و همچنین تأکید ادبیات پیشینه بوده است.

یافته‌های پژوهش

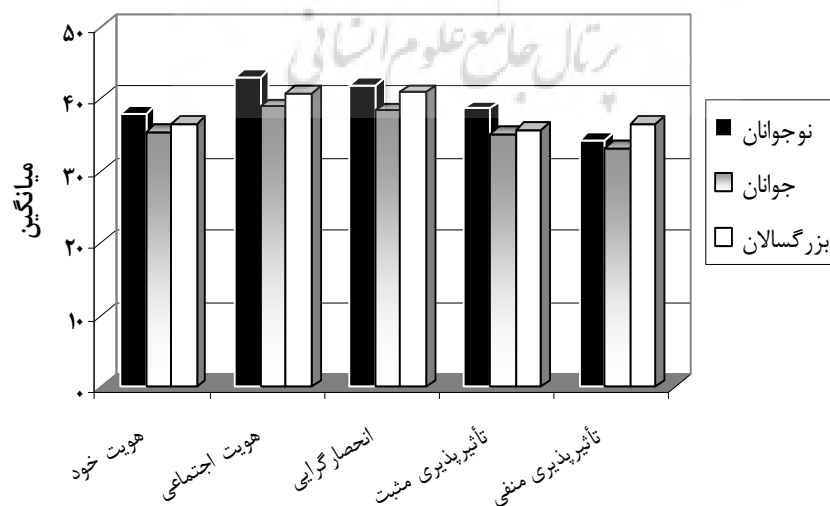
بر اساس یافته‌های پژوهش، میانگین نمره هویت ورزشی بازیکنان تیم‌های ملی هندبال ایران $16 \pm 188/89$ و میانگین مربوط به نمرات خرده مقیاس‌های هویت ورزشی به ترتیب، هویت خود $3 \pm 36/53$ ، هویت اجتماعی $4/15 \pm 40/86$ ، انحصارگرایی $6/16 \pm 40/40$ ، تأثیرپذیری مثبت $3/83 \pm 36/23$ و تأثیرپذیری منفی $4/47 \pm 35/13$ به دست آمد، این در حالی است که میانگین نمره مؤلفه‌های درونی و بیرونی هویت ورزشی آزمودنی‌ها به ترتیب ۹ و $8/12$ محاسبه گردید. نمودار شماره ۱، میانگین نمره هویت ورزشی، نمودار شماره ۲، میانگین نمره مؤلفه‌های درونی و بیرونی و نمودار شماره ۳، میانگین نمرات پنج خرده مقیاس هویت ورزشی آزمودنی‌ها را به تفکیک تیم‌های ملی هندبال نوجوانان، جوانان و بزرگسالان نشان می‌دهند.



نمودار ۱. میانگین نمره هویت ورزشی آزمودنی‌ها به تفکیک تیم ملی



نمودار ۲. میانگین نمره مؤلفه های درونی و بیرونی آزمودنی ها به تفکیک تیم ملی



نمودار ۳. میانگین مربوط به نمرات پنج خرده مقیاس هويت ورزشی آزمودنی‌ها به تفکیک تیم ملی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین هويت ورزشی بازیکنان تیم‌های ملی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان هندبال ایران تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($F=3/861$ ، $P=0/026$) و بر اساس نتایج آزمون تعقیبی، این تفاوت میان بازیکنان تیم‌های ملی نوجوانان و جوانان مشاهده می‌شود. همچنین، بین بازیکنان تیم‌های ملی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان هندبال ایران در مجموع مؤلفه‌های درونی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($F=3/792$ ، $P=0/028$) و بر اساس نتایج آزمون تعقیبی، این تفاوت در بین بازیکنان تیم‌های نوجوانان و جوانان مشاهده می‌شود، این در حالی است که بین بازیکنان تیم‌های ملی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان هندبال ایران، در مجموع مؤلفه‌های بیرونی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($F=2/941$ ، $P=0/060$).

بر اساس یافته‌های پژوهش، بین خرده مقیاس‌های هويت خود ($F=3/104$ ، $P=0/510$) و انحصارگرایی ($F=1/595$ ، $P=0/211$) بازیکنان تیم‌های ملی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان هندبال ایران تفاوت معنی‌داری یافت نشد، ضمن اینکه بین خرده مقیاس‌های هويت اجتماعی ($F=3/196$ ، $P=0/047$)، تأثیرپذیری منفی ($F=4/162$ ، $P=0/022$) و تأثیرپذیری مثبت ($F=4/986$ ، $P=0/012$) بازیکنان تیم‌های ملی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان هندبال

ایران تفاوت معنی داری وجود داشته است و یافته‌های آزمون تعقیبی نشان می‌دهد؛ تفاوت معنی دار مشاهده شده در خرده مقیاس‌های هویت اجتماعی و تأثیرپذیری مثبت، بین بازیکنان تیم‌های ملی نوجوانان و جوانان و در خرده مقیاس تأثیرپذیری منفی، بین بازیکنان تیم‌های ملی جوانان و بزرگسالان می‌باشد. جدول شماره ۱، آماره‌های مربوط به مقایسه هویت ورزشی و مؤلفه‌های درونی و بیرونی آن و جدول شماره ۲، آماره‌های مربوط به مقایسه خرده مقیاس‌های هویت ورزشی بازیکنان تیم‌های ملی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان هندبال ایران را نشان می‌دهند.

جدول ۱. آماره‌های مربوط به مقایسه هویت ورزشی و مؤلفه‌های درونی و بیرونی آن در بازیکنان تیم‌های ملی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان هندبال ایران

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مربعات	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری	آزمون تعقیبی (سطح معنی داری)
هویت ورزشی	بین گروه‌ها	۱۹۸۵/۵۹۲	۹۹۲/۷۹۶	۳/۸۶۱	*۰/۰۲۶	نوجوانان - جوانان *
	درون گروه‌ها	۱۶۹۷۰/۶۹۸	۲۵۷/۱۳۲			جوانان - بزرگسالان
	کل	۱۸۹۵۶/۳۹۰	۰/۸۱۴			بزرگسالان - نوجوانان
مؤلفه درونی	بین گروه‌ها	۳/۷۰۰	۱/۸۵	۳/۷۹۲	*۰/۰۲۸	نوجوانان - جوانان *
	درون گروه‌ها	۳۲/۱۹۷	۰/۴۸۸			جوانان - بزرگسالان
	کل	۳۵/۸۹۶	۰/۱۰۵			بزرگسالان - نوجوانان
مؤلفه بیرونی	بین گروه‌ها	۴/۱۸۶	۲/۰۹۳	۲/۹۴۱	*۰/۰۶۰	نوجوانان - جوانان -
	درون گروه‌ها	۴۶/۹۷۲	۰/۷۱۲			جوانان - بزرگسالان
	کل	۵۱/۱۵۸	۰/۴۰۸			بزرگسالان - نوجوانان

* در سطح $p < 0.05$ معنی دار است.

جدول ۲. آماره‌های مربوط به مقایسه خرده مقیاس‌های هویت ورزشی بازیکنان تیم‌های ملی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان هندبال ایران

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مربعات	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری	آزمون تعقیبی (سطح معنی‌داری)
هویت خود	بین گروه‌ها	۵۲/۸۹۴	۲۶/۴۴۷	۳/۱۰۴	۰/۵۱۰	نوجوانان - جوانان ۰/۴۶
	درون گروه‌ها	۵۶۲/۲۶۶	۸/۵۱۹			جوانان - بزرگسالان ۰/۵۴۷
	کل	۶۱۵/۱۵۹				بزرگسالان - نوجوانان ۰/۴۰
هویت اجتماعی	بین گروه‌ها	۱۰۳/۸۱۷	۵۱/۹۰۹	۳/۱۹۶	۰/۰۴۷*	نوجوانان - جوانان ۰/۰۴۴*
	درون گروه‌ها	۱۰۷۲/۰۰۹	۱۶/۲۴۳			جوانان - بزرگسالان ۰/۹۳۸
	کل	۱۱۷۵/۸۲۶				بزرگسالان - نوجوانان ۰/۲۱۲
انحصارگرایی	بین گروه‌ها	۱۱۹/۲۲۵	۵۹/۶۱۲	۱/۵۹۵	۰/۲۱۱	نوجوانان - جوانان ۰/۳۰۰
	درون گروه‌ها	۲۴۶۷/۴۱۳	۳۷/۳۸۵			جوانان - بزرگسالان ۰/۴۸۸
	کل	۲۵۸۶/۶۳۸				بزرگسالان - نوجوانان ۱/۰۰۰
تأثیرپذیری منفی	بین گروه‌ها	۱۵۲/۵۰۷	۷۶/۲۵۴	۴/۱۶۲	۰/۰۲۲*	نوجوانان - جوانان ۱/۰۰۰
	درون گروه‌ها	۱۲۰۹/۳۱۹	۱۸/۳۲۳			جوانان - بزرگسالان * ۰/۰۲۲
	کل	۱۳۶۱/۸۲۶				بزرگسالان - نوجوانان ۰/۲۸۲
تأثیرپذیری مثبت	بین گروه‌ها	۱۲۴/۶۸۹	۶۲/۳۴۴	۴/۹۸۶	۰/۰۱۳*	نوجوانان - جوانان ۰/۰۱۶*
	درون گروه‌ها	۸۷۷/۶۰۱	۱۳/۲۹۷			جوانان - بزرگسالان ۰۰ ۱/
	کل	۱۰۰۲/۲۹۰				بزرگسالان -

نوجوانان* ۰/۰۳۲					
-----------------	--	--	--	--	--

* در سطح $p < 0.05$ معنی دار است

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند، بین تأثیرپذیری مثبت مقیاس هویت ورزشی بازیکنان تیم‌های ملی هندبال ایران با سابقه قهرمانی و همچنین سطح تحصیلات، رابطه معنی دار و معکوس وجود دارد. جدول شماره ۳، آماره‌های مربوط به همبستگی متغیرهای یادشده را نشان می‌دهد.

جدول ۳. آماره‌های مربوط به آزمون همبستگی متغیرهای تأثیرپذیری مثبت، سابقه قهرمانی و همچنین سطح تحصیلات بازیکنان تیم‌های ملی هندبال

متغیرها	سابقه قهرمانی	سطح تحصیلات
ضریب همبستگی	-۰/۲۴۶	-۰/۲۶۱
سطح معنی داری	۰/۰۴۴*	۰/۰۳۲*

* در سطح $p < 0.05$ معنی دار است

بحث و نتیجه‌گیری

بر پایه یافته‌های پژوهش، بیشتر بازیکنان تیم‌های ملی هندبال ایران، از یک هویت ورزشی قوی برخوردارند و با توجه به نخبه بودن این دسته از ورزشکاران، یافته فوق قابل توجیه و منطقی به نظر می‌رسد. این بدان معناست که ورزشکاران نخبه هندبال، ارزش «خود» را بر مبنای عملکرد ورزشی قرار می‌دهند و به تقویت عزت نفس خود از طریق هویت ورزشی قوی و منحصر به فرد تمایل دارند. با توجه به یافته‌های پژوهش و بر مبنای دیدگاه کنش متقابل نمادین، احتمال ساخت، تأیید و ادعای نقش ورزشکاری از سوی آزمودنی‌های این پژوهش بالا است و برونداد این فرایند نقش‌سازی، ارائه رفتار اجتماعی مورد انتظار از سوی آنان را به

همراه دارد. این نتیجه با یافته‌های مایلز و کریستنسن (۲۰۰۶) همخوانی دارد (۱۹).

وجود تفاوت میان هویت ورزشی و مؤلفه‌های درونی آن در بازیکنان تیم‌های ملی نوجوانان، جوانان، بزرگسالان و همچنین بالاتر بودن هویت ورزشی بازیکنان تیم ملی نوجوانان می‌تواند مبین این امر باشد که ورزشکاران نوجوان، در روابط ورزشی خود و متعاقباً آغاز شکل‌گیری یک هویت، از یک سو توجه و انرژی مثبت بیشتر و از سوی دیگر، انتظارات اجتماعی کمتری را دریافت می‌کنند و این امر با نتایج پژوهش تسیمسکی و همکاران (۲۰۰۴) و همچنین چزلاک (۲۰۰۴) همخوانی دارد (۱۸، ۵). به نظر می‌رسد برای اکثر ورزشکاران نخبه در این سن، پیشبرد هدف‌های ورزشی مهم‌تر باشد و سایر هدف‌های زندگی به واسطه نیاز و تقویت اجتماعی کمتر، در رده‌های بعدی اهمیت قرار می‌گیرند (۲۶). نکته حائز اهمیت، کمتر بودن هویت ورزشی بازیکنان تیم‌های ملی جوانان در مقایسه با بازیکنان نوجوان و بزرگسال است که البته بر اساس یافته‌های آزمون تعقیبی، تفاوت میان بازیکنان جوان و نوجوان معنی‌دار است. به نظر می‌رسد بهترین راه برای توضیح دلایل این تفاوت، تحلیل خرده‌مقیاس‌های هویت ورزشی به تفکیک رده‌های سنی باشد که در ادامه این نوشتار، بحث خواهند شد. اما نکته مهم در این راستا، توجه به شرایط سنی بازیکنان تیم ملی جوانان است که بر پایه آن، زمینه‌های لازم برای بروز بحران‌های هویتی به وجود آمده است. ابهام نسبت به آینده، ظهور انتظارات جدید از سوی جامعه، نیاز به کشف هویت‌های جدید (۲۷)، اهمیت یافتن هر چه بیشتر شغل و مسائل اقتصادی (۱۳)، تغییر دائمی سلسله مراتب هویت نقش (۵) و همچنین ظهور هر چه بیشتر ابعاد منفی

حضور در سطوح ورزش حرفه‌ای (۱۳) از جمله مواردی هستند که می‌توانند وضعیت هویتی ورزشکاران جوان و به‌ویژه نخبه را در جایگاه خاص‌تری قرار دهند. به طور کلی، جو حاکم بر تیم‌های ملی هندبال، تعامل میان مربیان و بازیکنان، پاداش‌های درونی و بیرونی، بازخوردها، رضایت‌مندی نسبت به عملکرد و غیره از جمله عواملی هستند که می‌توانند به عنوان متغیر تأثیرگذار محسوب شوند. این در حالی است که کسب نمره کمتر آزمودنی‌ها در مؤلفه‌های بیرونی هویت ورزشی، به مراتب پر رنگ‌تر بودن نقش مؤلفه‌های درونی و لزوم توجه هر چه بیشتر به مؤلفه‌های بیرونی را یادآور می‌شود.

بر پایه یافته‌های پژوهش، میانگین نمره به دست آمده، خرده مقیاس هویت خود بازیکنان هندبال که یک مؤلفه درونی است، نشان می‌دهد که بیشتر بازیکنان تیم‌های ملی هندبال نوجوانان، جوانان و بزرگسالان، «خود» را ورزشکار می‌دانند و برای نقش ورزشکاری خود ارزش بسیاری قائل هستند. علاوه بر این، بین بازیکنان تیم‌های ملی هندبال ایران تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و میانگین نمره بازیکنان تیم ملی جوانان نسبت به بازیکنان نوجوان و بزرگسال کمتر است. این یافته با نتایج پژوهش گولدبرگ و چندلر (۱۹۹۱) ناهمخوان است (۲۳) و از دلایل این ناهمخوانی می‌توان به نخبه بودن آزمودنی‌ها، مناسبات فرهنگی، رشته ورزشی و همچنین تأثیرات مشترک گروه‌های مرجع در هر سه رده سنی اشاره کرد. نخبه بودن آزمودنی‌ها از این نظر حائز اهمیت است که هر سه گروه ورزشکاران، حمایت اجتماعی تقریباً یکسانی از محیط ورزشی خود دریافت می‌کنند و با توجه به نگاه فرهنگی جامعه نسبت به پدیده ورزش و همچنین ویژگی‌های رشته ورزشی هندبال، از سوی طرفداران و رسانه-

ها در کانون توجه تقریباً مشترکی قرار می‌گیرند. ضمن اینکه با توجه به موارد فوق، اثر گروه‌های مرجع، الگو و یا دخیل در تصمیم‌سازی ورزشکاران هر سه رده سنی (مانند خانواده، مربیان و رسانه‌ها) نزدیک‌تر می‌شود و این امر معنی‌دار نبودن تفاوت بین هويت «خود» آزمودنی‌ها را توجیه می‌کند.

از دیگر مؤلفه‌های درونی هويت ورزشی، خرده مقیاس تأثیرپذیری مثبت است که بر پایه یافته‌های پژوهش، بازیکنان تیم ملی نوجوانان، احساسات خوب و بازخوردهای مطلوب بیشتری از مشارکت ورزشی خود دریافت می‌کنند. با این وجود، میانگین نمره خرده مقیاس تأثیرپذیری مثبت بازیکنان تیم‌های ملی جوانان و بزرگسالان کمتر است و بین بازیکنان تیم‌های ملی نوجوانان و جوانان و همچنین نوجوانان و بزرگسالان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. اینکه چه عواملی کاهش‌دهنده احساسات خوب ورزشکاران در جریان مشارکت در تیم ملی هندبال جوانان و در ادامه بزرگسالان هستند، مسئله‌ای است که باید مورد توجه قرار گیرد. میانگین نمرات بالای بازیکنان تیم ملی بزرگسالان در خرده مقیاس تأثیرپذیری منفی و همچنین وجود تفاوت میان تیم‌های ملی جوانان و بزرگسالان نشان می‌دهند؛ بازیکنان بزرگسال از مشارکت ورزشی خود نتایج نامطلوب بیشتری را تجربه می‌کنند. نکته‌ای که نباید فراموش شود، تغییر کیفیت و نوع تأثیرپذیری ورزشکار به تفکیک رده‌های سنی و همچنین سطوح حرفه‌ای است (۱۸). عوامل تأثیرپذیری منفی برای بازیکنان بزرگسال، جدای از آسیب‌دیدگی، نارضایتی از عملکرد و غیره می‌تواند نزدیک شدن به پایان دوره ورزش حرفه‌ای و یا بازنشستگی ورزشی باشد که این مورد آخر، در مورد بازیکنان جوان و

نوجوان کمتر صدق می‌کند (۲۸). با این حال، ترس کنار گذاشته شدن از تیم و یا از دست دادن حمایت‌های اجتماعی، از جمله عواملی هستند که در بازیکنان جوان و نوجوان وجود دارد (۲۹). این نتایج با یافته‌های پژوهش مایلز و کریستنسن (۲۰۰۶) همخوان است (۱۹).

بر پایه یافته‌های پژوهش، میانگین نمرات به دست آمده از بازیکنان تیم‌های ملی هندبال ایران در خرده مقیاس انحصارگرایی، از اهمیت بالای ورزش نسبت به دیگر فعالیت‌ها و پدیده‌های اجتماعی خبر می‌دهد و این امر با نتایج مارتین و همکاران (۱۹۹۷)، چزلاک (۲۰۰۴)، مایلز و کریستنسن (۲۰۰۶) همخوانی دارد (۱۸، ۵، ۱۹). انحصارگرایی مؤلفه‌ای بیرونی است که بر اساس آن، ورزشکار به مقایسه ورزش با سایر جنبه‌های زندگی خود می‌پردازد و اولویت آن را مشخص می‌سازد. با توجه به نمره بالای آزمودنی‌ها در خرده مقیاس انحصارگرایی، این امکان وجود دارد که ورزشکاران، رویدادهای زندگی خود را در حد رویدادهای ورزشی محدود سازند (۱۳). از جمله دلایل نبود تفاوت میان خرده مقیاس انحصارگرایی بازیکنان تیم‌های ملی هندبال، می‌توان به نخبه بودن ورزشکاران هر سه رده سنی اشاره کرد.

بر پایه یافته‌های پژوهش، میانگین نمرات به دست آمده از بازیکنان تیم ملی نوجوانان در خرده مقیاس هویت اجتماعی نشان می‌دهد که این دسته از ورزشکاران، تمایل بیشتری برای سازگار شدن هر چه بیشتر با گروه، و همچنین برای معرفی خود بر اساس عضویت‌شان در گروه دارند. بر اساس یافته‌ها، وجود تفاوت میان خرده مقیاس هویت اجتماعی بازیکنان تیم‌های ملی نوجوانان و جوانان نشان می‌دهد؛ بازیکنان نوجوان ارزش و اهمیت عاطفی بیشتری برای عضویت خود در گروه قائل‌اند و این

امر را می‌توان به شرایط سنی آنان نسبت داد. ضمن اینکه بالاتر بودن میانگین نمره خرده مقیاس هویت اجتماعی در بازیکنان تیم ملی بزرگسال در مقایسه با جوانان، می‌تواند به دلیل تثبیت و سازگاری بیشتر بازیکنان بزرگسال در تیم‌های باشگاهی خود باشد. با این حال، بالاتر بودن میانگین نمره ورزشکاران نوجوان نسبت به ورزشکاران جوان و بزرگسال، بخشی است که با یافته‌های پژوهش بویل و مگناسون (۲۰۰۷) ناهمخوان است (۲۰).

وجود رابطه معنی‌دار و معکوس میان خرده مقیاس تأثیرپذیری مثبت و متغیرهای سابقه قهرمانی و همچنین سطح تحصیلات نشان می‌دهد که آزمودنی‌های با سابقه قهرمانی بالاتر و یا تحصیلات بیشتر، در خرده مقیاس تأثیرپذیری مثبت نمره کمتری را کسب می‌کنند و این امر می‌تواند ناشی از انتظارات متفاوت و همچنین نیاز به تقویت اجتماعی بیشتر در این دسته از ورزشکاران باشد. نبود رابطه معنی‌دار میان هویت ورزشی، سایر خرده مقیاس‌های آن و سابقه قهرمانی، امری است که با نتایج پژوهش کرایلوویچ (۲۰۰۰) ناهمخوان است (۲۱) و از دلایل این ناهمخوانی می‌توان به متفاوت بودن ابزار و یا استفاده از نسخه‌های اولیه اندازه‌گیری هویت ورزشی، نخبه نبودن نمونه‌های آماری و همچنین شرایط زمانی انجام تحقیق اشاره کرد. با این حال، همخوانی یافته‌های فوق با یافته‌های چزلاک (۲۰۰۴)، بار دیگر بر نقش تعیین‌کننده خرده مقیاس تأثیرپذیری مثبت در ساختار تکامل یافته هویت ورزشی تأکید می‌کند (۵).

به طور کلی، بر پایه یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود مربیان و مدیران تیم‌های ملی هندبال همواره هویت ورزشی را به عنوان یک سازه مهم

روانی اجتماعی مورد توجه قرار دهند و با کشف ابعاد تأثیرگذار بر آن، گام‌های ارزشمندی را به سوی موفقیت هر چه بیشتر تیم‌های خود بردارند. یکی از مهم‌ترین کارکردهای این پژوهش، جلب توجه دست اندرکاران امر به این نکته است که با افزایش سن ورزشکار نخبه هندبال و همچنین ورود به سطوح حرفه‌ای بالاتر، نیازها و انتظارات اجتماعی مربوط به هر سطح تغییر می‌کند و برای هر رده سنی شرایط ویژه‌ای ایجاد می‌شود. بنابراین ساخت و توسعه یک طرحواره روانی-اجتماعی برای ورزشکاران نخبه هندبال از دوره‌های اولیه ورود به عرصه ورزش تا بزرگسالی، امری است که می‌تواند در کنار توسعه مهارت‌های فنی، زمینه را برای بروز استعدادها و موفقیت‌های هر چه بیشتر ورزشکاران در عرصه‌های ملی و بین‌المللی فراهم نماید.

منابع:

1. Woodward, K. (2000). Introduction to questioning identity: gender, class, nation. *London: Routledge in Association with the Open University*. pp 1-4.
۲. نیلی احمدآبادی، محمد رضا (۱۳۸۲) «نقش رسانه‌های جمعی در شکل‌گیری هویت»، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، جلد چهارم، شماره اول، صص: ۹۱-۱۱۱.
۳. صداقت‌زادگان، شهناز (۱۳۸۴) «جامعه‌پذیری از طریق ورزش». فصلنامه المپیک، سال سیزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۲)، صص: ۶۱-۷۱.
۴. شجیع، رضا؛ حیدری، سید امیر رضا و عطارزاده حسینی؛ سید رضا (۱۳۸۵). «مقایسه سبک هویت (اطلاعات‌مدار، هنجاری و سردرگم)

دانشجویان پسر ورزشکار و غیر ورزشکار دانشگاه فردوسی مشهد و ارتباط آن با میزان تعهد در آنان». هفتمین همایش ملی تربیت بدنی و علوم ورزشی، تبریز: اسفندماه ۸۵، صص: ۱۷۰-۱۷۱.

5. Cieslak, T. J. (2004). Describing and measuring the athletic identity construct: Scale development and validation, The Ohio State University 2004.
6. Brewer, B.W., Van Raalte, J.L. & Linder, D.E. (1993). Athletic identity: Hercules' muscles or Achilles heel? *International Journal of Sport Psychology*, 24, 237-254.
7. Stephan, Y., Brewer, B.W. (2007). Perceived Determinants of Identification with the Athlete Role among Elite Competitors. *Journal of Applied Sport Psychology*, 19: 67-79, 2007.
8. Miller, P. S., & Kerr, G. (2002). The athletic, academic, and social experiences of intercollegiate student athletes. *Journal of Sport Behavior*, 25, 346-367.
9. Werthner, P., & Orlick, T. (1986). Retirement experiences of successful Olympic athletes. *International Journal of Sport Psychology*, 17, 337-363.
10. Coen, S. P., & Ogles, B. M. (1993). Psychological characteristics of the obligatory runner: A critical examination of the anorexia analogue hypothesis. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 15, 338-354.
11. Danish, S. J., Petitpas, A. J., & Hale, B. D. (1993). Life development interventions for athletes: Life skills through sport. *The Counseling Psychologist*, 21, 352-385.
12. Callero, P. L. (1985). Role-identity salience. *Social Psychology Quarterly*, 48, 203-215.
13. Darnall, Beth (2002). The Relationship between athletic identity, Elite Athlete Self Esteem, Coping and Pathology in Elite Athletes. University of Colorado, 2002.
14. Nolen-Hoeksema, S. (1987). Sex differences in unipolar depression: Evidence and theory. *Psychological Bulletin*, 101, 259-282.
15. Sparkes, A. C. (1998). Athletic identity: An Achilles' heel to the survival of self. *Qualitative Health Research*, 8, 644-664.
16. Lavalley, D., Robinson, H.K. (2007). In pursuit of an identity: A qualitative exploration of retirement from women's artistic gymnastics. *Psychology of Sport and Exercise*, 8 (2007), 119-141.

17. Martin, J.J., Eklund, R.C. & Mushett, C.A. (1997). Factor structure of the athletic identity measurement scale with athletes with disabilities. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 14, 74-82.
 18. Tasiemski, T., Kennedy, P., Gardner, B.P., Rachel, A. (2004). Athletic identity and sports participation in people with spinal cord injury. *Adapted Phys Activity Q* 2004; 21:364-78.
 19. Mills, A.L., Christensen, S.A. (2006). Athletic identity and its relationship to sport participation levels. *Journal of Science and Medicine in Sport*, Volume 9, Issue 6, Pages 472-478.
 20. Boyle, B.A. & Magnusson, P. (2007). Social identity and brand equity formation: A comparative study of collegiate sports fans. *Journal of Sport Management*, Volume 21, Issue 4, October 2007, Pages 497-520.
 21. Krylowicz, B.J. (2000). Student-athlete or athlete-student? An investigation of athletic and vocational identity of Division I male and female collegiate basketball players. *Dissertation Abstracts International: Section B: The Sciences & Engineering*, 60(11-B), 5823.
 22. Derick, J. W. (2008). An examination of athletic identity, sport commitment, time in sport, social support, life satisfaction, and holistic wellness in college student-athletes. *Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences*, Vol 68(7-A), 2008. pp. 2834.
 23. Goldberg1, A. D. & Chandler, T. J. L. (2004). Sport participation among adolescent girls: Role conflict or multiple roles. *Sex Roles*, Volume 25, Numbers 3-4, 213-224.
 24. Brooks, C.M. (1998). Sport/exercise identity theory and participation marketing: Theory formation and theoretical justification. *Consumer Behavior*, 7(1), 38-46.
 25. Brewer, B.W, Shelby, C.L., Linder, D.E. & Petitpas, A.J. (1999). Distancing oneself from a poor season: Divestment of athletic identity. *Journal of Personal and Interpersonal Loss*, 4, 149-162.
 26. Miller, P.S., Kerr, G.A. (2003). The role experimentation of intercollegiate student athletes. *Sport Psychologist*, Volume 17, Issue 2, 196-219.
۲۷. قاسمی، مریم؛ عارفی، مژگان و شیخ الاسلامی، راضیه (۱۳۸۲). «بررسی رابطه هویت و ارزش‌ها در جوانان»، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، جلد چهارم، شماره اول، صص: ۲۴۵-۲۶۳.

28. Collinson, J.A., Hockey, J. (2007). Working out identity: Distance runners and the management of disrupted identity. *Leisure Studies*, Vol. 26, Issue 4, p 381-398.
29. Good, A.J., Brewer, B.W., Petitpas, A.J., Van Raalte, J.L., Mahar, M.T. (1993). Identity foreclosure, athletic identity, and college sport participation. *The Academic Athletic Journal*, 1993; 8:1-12.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی